

اصل تساوی زن و مرد در احکام شرعی

(با رویکرد اصول فقهی)

گروه پژوهشی فقه و اصول

استاتید راهنما: سرکار خانم توحیدی و سرکار خانم طالقانی

نیره تاجیک

اعظم رحیمی

شکوفه چگینی

بی بی وحیده هاشمی

دنیا پورمند

چکیده

امروزه، در تبیین احکام شرعی زنان، ابتدا «اختلافات احکام زن و مرد» مطرح می‌شود؛ این تقدم، دو مطلب غلط را القاء میکند: ۱- در احکام زنان، «اصل اولیه» عدم تساوی حقوق است؛ ۲- موارد اختلاف احکام زن و مرد، بسیار فراوان و بیشتر از موارد تساوی است.

عنوان مقاله حاضر «اصل تساوی زن و مرد در احکام شرعی» است که برابری این دو صنف در حقوق و تکالیف-آلما خرج بالدلیل - را اصل اولیه، «مبنای فقه»، فراتر از اصول عملی و اماره، ضروری دین؛ یعنی اثبات آن را بی نیاز از دلیل می‌داند؛ این اصل، همزاد فطرت، مطابق بنای عقلا و متدینان در طول تاریخ بوده و پشتوانه آن آیات متعدد، روایات متواتر، اجماع قطعی علما، سیره معصومان (ع)، ارتکاز مسلمانان، استقراء، استصحاب و... است. در منابع معتبر، مقصود از «قاعده اشتراک» همین اصل تساوی است.

برخی ضرورت‌های بررسی این اصل چنین است: ۱- هنگام بروز «شک» در مسائل مستحدثه‌ی مربوط به احکام زنان، تا زمانی که دلیلی بر اختلاف زن و مرد پیدا نشود؛ با کمک این اصل، به تساوی حکم می‌گردد. ۲- استقرا نشان می‌دهد موارد اختلاف احکام دو صنف، حدود ۱۷۱ مورد بوده و نسبت به موارد تساوی که هزاران حکم است، بسیار کم و در حد «استثناء» است و موارد تساوی زن و مرد «استثنای اکثر» نیست. ۳- اصل تساوی، بسیاری از شبهات فمینیسم را دفع می‌کند. ۴- در نظرات فمینیسم اسلامی تعادل ایجاد می‌نماید. ۵- اصل تساوی برای روایات معارض مربوط به احکام زنان، «مرجح» است. کلیدواژه‌ها: اصل، مبنا، قاعده اشتراک، تساوی احکام، ضروری دین.

مفهوم شناسی

برای ورود به بحث ابتدا باید برخی واژگان مرتبط با موضوع، مفهوم شناسی شود:

۱. اصل^۱ در لغت ریشه، پایه، اساس و قاعده هر چیزی است.^۲ در اصطلاح علوم، اصل چیزی است که چیز دیگری بر آن بنا می‌شود^۳ و در اصطلاح فقه و اصول در چند معنا به کار می‌رود: مقابل فرع، دلیل راجح و ظاهر، قاعده و...^۴

۲. مبنا: از ریشه "بنی" و به معنای اساس، ریشه، بنیاد، شالوده، محل بنای چیزی و... است.^۵ از نظر اصطلاح، منطق دانان، علوم را دارای سه جزء می‌دانند: موضوع، مسائل و مبادی. ایشان مبادی تصدیقی را به دو قسم اولی و غیر اولی تقسیم می‌کنند، مبادی غیر اولی که احتیاج به برهان نداشته و با حسن ظن متعلم، مورد قبول واقع گردیده و در علم دیگر اثبات می‌شوند، مبنا یا «اصل موضوعی» نام دارند، مثل موضوع حرکت که مربوط به علم فیزیک (طبیعیات) است و در علوم دیگر به عنوان اصل موضوعی و مبنا، قبول می‌شود؛ در واقع. مبانی هر علم، باورهای بنیادی ای هستند که «اصول» و «قواعد» بر آنها استوار است.^۶ منظور ما از واژه «اصل» در این نوشتار، مترادف با «مبنا» است. «اصل تساوی» در «قواعد فقهیه» اثبات شده و در فقه و اصول فقه به عنوان اصل موضوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱. واژه اصل در زبان فارسی معادل واژه انگلیسی principle است.

۲. رک: ابن فارس، مقاییس اللغة/ ابن منظور، لسان العرب، ماده «اصل».

۳. محمد علی تهرانی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، ماده «اصل».

۴. رک: محمد علی تهرانی، همان/ علی مشکینی، اصطلاحات اصول، ص ۵۶-۶۱/ محمد علی، انصاری، الموسوعه الفقهیه المیسره، ج ۳، ص ۴۸۱/

مجتبی ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة/ ابن منظور، لسان العرب/ اسماعیل بن حماد الجوهري، الصحاح/ علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا.

۶. رک: هادی سبزواری، شرح المنظومه، تعلیق حسن حسن زاده آملی، ج ۱، ص ۸۷-۸۸/ ملا عبدالله یزدی، حاشیه علی تهذیب المنطق، ص ۱۱۵-۱۱۹/ محمد علی تهرانی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳. قاعده: اصل و قانون کلی و منشأ و زیربنای استنباط قوانین دیگر است و از این قوانین در فقه و اصول به عنوان «قواعد اصولی و فقهی» تعبیر می‌شود.^۱ بر این اساس، اصل، فراگیرتر از قاعده است و قاعده دایره ای محدود تر دارد.^۲ به طور کلی ترتیب این اصطلاحات از کلی به جزئی چنین است: مبنا، اصل، قاعده و قانون، البته غالباً بین این واژگان تفاوت گذاشته نمی‌شود که نتیجه آن خلط میان مباحث و عدم دقت در نتیجه گیری ها است.

۴. تساوی: به معنای برابر شدن دو یا چند طرف و مانند همدیگر شدن، تعادل و یکسانی است.^۳

۵. قاعده اشتراک: یکی از پرکاربردترین قواعد اصولی است که فقه بر آن مبتنی شده و به این معنا است که اگر حکمی در اسلام برای عده ای اثبات شد، شامل همه مسلمانان، اعم از زن و مرد، عالم و جاهل، موجودین و متأخران و... تا روز قیامت می‌شود، مگر آن که در موضوع حکم، خصوصیات و قیدی باشد که آن را به شخص، صنف یا زمان خاصی مخصوص کند.^۴

– شرایط اجرای قاعده اشتراک:

۱. قابلیت توجه حکم به همه کسانی که اشتراک آن‌ها در حکم اراده شده است؛ بنابراین اگر بعضی از مکلفان فاقد این قابلیت باشند اثبات حکم برای ایشان با قاعده اشتراک ممکن نیست؛ مانند حکم جهاد ابتدایی که نمی‌تواند متوجه زنان باشد.

۲. اتحاد عنوان میان کسانی که حکم برای آن‌ها اثبات شده و کسانی که مجتهد، قصد اثبات حکم برای ایشان را دارد؛ مانند آن که اگر عنوان حکم «الرجل» باشد و تأثیر رجولیت در حکم احراز شود، شامل زن نخواهد شد، زیرا زن و مرد دو عنوان متفاوت هستند.^۵

پیشینه

تساوی انسانها، اصلی است که ریشه در عقل و فطرت آدمی دارد و همزاد خلقت او است. در طول تاریخ بشر، ادیان الهی مهم ترین منادیان تساوی همه انسانها در حقوق هستند که همواره انسان را به فطرت ارجاع می‌دهند؛ زیرا این اصل از اعتقاد به توحید و عدالت پروردگار، نشأت گرفته است که از اصول بنیادین تعالیم انبیاء است؛ از این رو کتب آسمانی، به برابری انسان‌ها نزد خداوند تأکید داشته‌اند. بنابر اسناد تاریخی موجود در متون غیر وحیانی، اولین بارسوفسطائیان و بعد از آن افلاطون در قرن چهارم قبل از میلاد به برابری زن و مرد تصریح کرده‌اند.^۶

میان متون مقدس، قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی بیش از سایر ادیان بر اصل تساوی و نفی تبعیض تأکید نموده، به عنوان نمونه در آیه ۱۳ سوره حجرات، تنها ملاک فضیلت را تقوا شمرده است. سنت و سیره معصومان (علیهم السلام) نیز آکنده از مطالبی در تأیید اصل برابری است. در علم فقه نیز همواره «قاعده اشتراک» که بر تساوی همه انسانها در تکلیف دلالت دارد، به عنوان مبنا در استنباط احکام شرعی، تکیه گاه مجتهدان قرار گرفته است. قاعده اشتراک در احکام، تقریباً در تمام کتب اصول فقه و قواعد فقهی به اجمال یا تفصیل، آمده است. کتاب «العناوین الفقهیه» از عبدالفتاح حسینی مراغی (۱۳ق) و «القواعد الفقهیه» از محمد حسن بجنوردی (۱۴ق) دو منبع مهم برای قاعده اشتراک می‌باشند.^۷

مجتهدان با استفاده از قاعده اشتراک در بسیاری از فروع فقهی به تساوی حقوق و تکالیف زن و مرد حکم نموده‌اند؛ اما اثبات تساوی زن و مرد در احکام شرعی –الا ما خرج بالدلیل– به عنوان یک «مبنا»، پیش از این، جز به صورت اشاراتی

۱. مجتبی ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۲، ص ۹-۱۰.

۲. ر.ک: محمد فاکر، قواعد التفسیر، ص ۳۴.

۳. ر.ک: احمد بن فارس، مقاییس اللغة/ حسین راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده «سوی»/ علی اکبر دهخدا، لغتنامه، مدخل «تساوی» و «مساوات».

۴. ر.ک: میر عبد الفتاح حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ص ۲۰/ محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۳.

۵. ر.ک: محمد علی انصاری، الموسوعة الفقهیه المیسرة، ج ۳، ص ۳۰۳ و ۳۰۶.

۶. ر.ک: منوچهر صانعی دره بیدی، مقاله «برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخی آن»، ص ۱-۲.

۷. ر.ک: محمد علی انصاری، همان، ص ۳۰۹.

پراکنده در کتب و مقالات، سابقه ندارد، البته معدودی از بزرگان، مثل آیت الله وحید بهبهانی، در باره قاعده اشتراک تاملاتی داشته اند^۱ و گاه در موارد بسیار اندک، تساوی زن و مرد به عنوان یک اصل، مورد انکار واقع شده است.^۲

ضرورت اثبات اصل تساوی

۱. دست یابی به مبنای حکم در احکام شرعی مربوط به زنان: اگر تساوی زن و مرد در احکام شرعی - آلا ما خرج بالدلیل - به عنوان یک اصل اثبات گردد، در بسیاری مسائل مستحدثه می تواند مبنای اجتهاد قرار گیرد؛ یعنی در مواردی که شک میشود آیا حکم زن با مرد، مساوی یا متفاوت است و دلیل خاصی بر تفاوت حکم در منابع یافت نشد، مجتهد می تواند با تکیه بر «اصل تساوی»، به اشتراک حکم مرد و زن در آن مورد خاص حکم کند و در نتیجه اثبات «تفاوت و عدم تساوی» نیازمند اقامه دلیل خواهد بود.

۲. پاسخ گویی به شبهات فمینیست های غربی و مسلمان: فمینیست های غربی، در مسائل مربوط به زنان، شبهاتی را مبنی بر تبعیض و عدم عدالت میان زن و مرد در شریعت اسلام مطرح نموده و به برخی آیات و روایات استناد نموده و در واقع اساس احکام اسلامی را «تبعیض میان زن و مرد» می دانند. اصل تساوی که بر دلایل محکمی از فطرت، عقل، قرآن، سنت، و... استوار است می تواند پاسخ گوی این گونه از شبهات باشد و دامن اسلام را از شبهه اعمال تبعیض میان زن و مرد مبرا سازد. از سوی دیگر این اصل نشان میدهد که بر خلاف نظرات فمینیسم اسلامی همه جا نمی توان تساوی احکام زن و مرد را اثبات نمود؛ زیرا «اصل، بر تساوی است الا ما خرج بالدلیل»؛ در واقع اصل تساوی دیدگاهی متعادل و معقول را بر اساس فطرت، عقل و نقل ارائه میدهد.

۳. رفع تعارض روایات: اخبار فراوان و متفاوتی در مورد زنان وجود دارد که در موارد بسیاری با هم متعارضند، برخی از آنها در موضوع مذمت زن بوده و برخی فضیلت زن را بیان می کنند. اصل تساوی زن و مرد در این دو دسته روایات، به عنوان یکی از مرجحات مهم، می تواند مبنای حل تعارض قرار گیرد.

اصل تساوی چیست؟

تساوی در اسلام، از ارکان بنیادین و بدیهی دین است. آیت الله جوادی آملی معتقدند: «حکم اسلام به تساوی حقوق است، مگر آنجا که خود اسلام ارزش خاصی را پذیرفته باشد؛ یعنی اولاً همه در برابر قانون الهی مساوی اند و ثانیاً قانون همگان یکی است، مگر مواردی که خداوند افزایش یا کاهش عادلانه ای را دستور داده باشد»^۳.

اصل تساوی مصادیق متعدد دارد، مثل تساوی انسانها از نظر شخصیت انسانی، تساوی عالم و جاهل، کافر و مسلمان، غایب و حاضر، غیر معصوم و معصوم در تکلیف. مساوات زن و مرد در احکام شرعی یکی دیگر از مصادیق اصل تساوی است که می گوید: «زن و مرد در تمام احکام شرعی (حقوق و تکالیف) با هم برابرند، مگر مواردی که با دلیل خاص از این عمومیت خارج شده باشد». براساس اصل مذکور آن دسته از احکام شرعی که موضوعش انسان - بدون نظر به جنسیت - است، میان زن و مرد مشترک بوده و در آنها اصل تساوی جاری می گردد که بیشتر احکام شرعی را در بر می گیرد، ولی آن دسته از احکامی که موضوع آنها «جنسیت» باشد برای زن و مرد متفاوت می باشد، مانند برخی احکام در باب دیه، ارث، شهادت و... در چنین مواردی وجود دلیل خاص، مانع از اجرای اصل تساوی می شود یا به تعبیر دقیق تر باید گفت «شرائط اصل تساوی» وجود ندارد؛ بنابراین از نظر اسلام، نظام حقوقی واحد بر همه انسانها حاکم است.

دلایل اصل تساوی

در علم فقه، برای استنباط احکام از اصول لفظیه، اصول عملیه، قواعد فقهیه و... استفاده میشود که مبتنی بر ادله مختلف؛ یعنی کتاب، سنت، اجماع، عقل و... می باشد. برای اصل تساوی نیز میتوان دلایل متعدد ذکر نمود. قبل از ارائه دلائل،

۱. ر.ک: محمد باقر وحید بهبهانی، الفوائد الحاریره، ص ۱۵۴، الفایده ۱۲/ محمد علی انصاری، الموسوعة الفقهية الميسرة، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲. ر.ک: حسنعلی علی اکبریان، مقاله «تاملی در مبانی استنباط احکام زنان» مجله فقه، سال ۱۵، ش ۵۷.

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۲۲، ص ۶۲۲.

تذکر این نکته مهم، ضروری است که اصل تساوی به جهت آنکه «ضروری دین» است؛ نیازمند به دلیل نمی باشد و بیان دلیل برای آن از باب پیروی از سیرهٔ پسندیده محققان است که عادت دارند برای اثبات هر مطلبی به دلیل متمسک شوند.

۱. ضروری دین

اموری که جزء دین بودن آنها اثبات شده و از واضحات و بدیهیات دین می باشند، به گونه ای که عادتاً بر هیچ مسلمانی پوشیده نمی باشد و حتی برخی از غیرمسلمانان هم آن را جزء دین می دانند، ضروری دین است، به طور مثال وجوب نماز ضروری دین است، اما برخی خصوصیات آن که با دلایل معتبر شرعی اثبات می شود، ضروری دین نیست.^۱ مراد از ضروری در اینجا ضروری عقلی و علمی نیست که نیاز به برهان ندارد.^۲

بسیاری از فقها از جمله مرحوم آیت الله نائینی^۳، آیت الله بجنوردی^۴، آیت الله خوئی^۵، آیت الله محمد سعید حکیم^۶ و... اشتراک مکلفان در جمیع احکام را از ضروریات دین می دانند. مهمترین دلایل ضروری بودن اصل تساوی عبارتند از:

أ: تواتر دلایل نقلی؛ آیات عظام، خویی، بجنوردی، محمد حسین غروی نائینی^۷، شیخ انصاری^۸ و صاحب فصول^۹، به تواتر روایات مربوطه تصریح نموده اند، افزون بر اخبار، آیات متعددی هم وجود دارد که درآینده تبیین میشود.

ب: اجماع متواتر؛ برخی بزرگان، مثل: صاحب جواهر، سید محسن حکیم، آیت الله خویی^{۱۰} و آیت الله بجنوردی^{۱۱} یکی از مدارک قاعدهٔ اشتراک را اجماع قطعی محصل و منقول اصحاب دانسته اند^{۱۲}، حتی برخی از علما، اجماع را در نظر فقها متواتر معرفی کرده اند^{۱۳}، بدون این که منکری وجود داشته باشد؛ یعنی به طور قطع هیچ فقیهی پیدا نمی شود که معتقد باشد؛ مبنای اسلام و احکام فقهی آن بر «اصل تبعیض» نهاده شده است! این مطلب نشان میدهد؛ اصل تساوی از ضروریات فقه بلکه از ضروریات دین است که تمام فقه بر آن استوار است.

۲. فطری بودن

علامه طباطبایی فطرت را پایه و مبنای اصل تساوی زن و مرد در حقوق و تکالیف دانسته و می نویسد: «... مرد و زن از نظر اسلام و بر حسب آن چه قرآن اثبات می کند، مساوی اند... آن چه فطرت دربارهٔ وظایف و حقوق اجتماعی افراد اقتضا دارد این است که چون همهٔ انسان ها دارای فطرت بشری هستند باید حقوق و وظایفشان مساوی باشد...»^{۱۴}

-
۱. محمد بن حسن طوسی، الاقتصاد الیهادی الی طریق الرشاد، ص ۱۰ / عبدالرزاق فیاض لاهیجی، گوهر مراد، ص ۳۹۹ / علامه مجلسی، حق الیقین، ص ۵۵۹.
 ۲. عبد الله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۳۳۴.
 ۳. محمد حسین غروی نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۱.
 ۴. محمد حسن، بجنوردی، القواعد الفقهیه ج ۲، ص ۵۵، تحقیق محمد حسین درایتی و مهدی مهریزی.
 ۵. ابوالقاسم خویی، مصباح الاصول، محمد واعظ حسینی، ج ۲، ص ۲۵۷.
 ۶. محمد سعید حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ج ۷، ص ۷۸.
 ۷. ر.ک ابوالقاسم خویی، محاضرات فی اصول الفقه، تقریر بحث الخویی للفیاض، ج ۲، ص ۲۷۶ / محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۶۲ / محمد حسین غروی نائینی، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۱۷۶، ۱۷۷.
 ۸. مرتضی انصاری، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۷۰.
 ۹. ر.ک: محمد رضا مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۳۲.
 ۱۰. ر.ک: محمد حسن نجفی، الجواهر، ج ۱۳، ص ۳۳۷، ج ۱۶، ص ۴۹، سید محسن حکیم، المستمسک، ج ۵، ص ۳۷۱ / ابوالقاسم خویی، مستند العروه (الصلاه)، ج ۳، ص ۳۹۳، ۴۰۰ (سایت مدرسه فقاها).
 ۱۱. محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۴، ۵۵.
 ۱۲. از نظر علمای امامیه «اجماع» دلیل مستقلی نیست و در واقع همان «سنت» است، اما معمولاً از باب «تکثیر ادله» از آن استفاده میشود.
 ۱۳. محمد حسین غروی نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۱ / محمد رضا مظفر، اصول فقه، ج ۲، ص ۲۰، ۲۱ / محمد سعید حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ج ۵، ص ۳۸۵.
 ۱۴. محمد حسین، طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۷۴.

علیه و آله و سلم، امام (علیه السلام) یا عالمی، مسأله‌ای را می‌پرسیدند، بعد از گرفتن جواب، آن را برای سایر مکلفان نقل می‌کردند^۱؛ بنابراین اشتراک در تکلیف از سیره مسلمانان بلکه بالاتر، از سیره سایر متدینان در جمیع ادیان است.^۲

۱۱. استصحاب

برخی علما با وجود دلایل فراوان عقلی و نقلی و بی‌نیازی از «اصل عملی»، برای استحکام مطلب، به استصحاب استناد جسته‌اند؛ توضیح آن که وقتی شارع، فرد یا گروهی را به انجام یا ترک عملی امر یا نهی می‌کند، جمیع کسانی که در آن زمان موجودند - اعم از زن و مرد - محکوم به آن حکم هستند؛ بنابراین اگر در بقای همان حکم، نسبت به افراد زمانهای بعد شک شود، استصحاب جاری گشته و حکم شارع برای زن و مرد در زمانهای بعد باقی می‌ماند، البته این نکته قابل توجه است که ادله بقای احکام شریعت اسلام، تا روز قیامت - که در دلیل روایات چند نمونه از آنها ذکر شد - بردلیل استصحاب «حکومت» دارند.^۳

۱۲. شواهد حقوقی

از نظر حقوق دانان، حقوق اساسی، رشته‌ای از علم حقوق است که در آن از سازمان عمومی دولت و...، حقوق و آزادی فردی و اجتماعی و ... گفتگو می‌شود. برابری در حیثیت انسانی و برابری در حقوق یک رکن مهم حقوق اساسی است.^۴

اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و قانون اساسی ایران نیز به طور روشن بر اصل تساوی دلالت دارد. برخی آرای غیرمحققانه حاکی است که در ایران و سایر فرهنگ‌های باستانی، مانند هند و مصر و در ادیان الهی؛ یعنی یهود، مسیحیت و اسلام هیچ خبری از اصل برابری نیست و نخستین بار در آثار دکارت و جان لاک نشانه‌های اعتقاد به برابری انسان‌ها آشکار شده است!^۵ گویا صاحب این سخن، به پایه‌های محکم اصل تساوی؛ یعنی فطرت، دلیل عقلی، سیره عقلاء، آیات، روایات، ضروری دین، و... توجه نکرده است.

مساوات مورد نظر قرآن، شامل دو قسمت عمده «مساوات در اصل انسانیت» و «مساوات در حقوق» می‌باشد. اصل مساوات، نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است و ادیان و مکتب‌های فلسفی دیگر تا این حدّ برای برابری انسان، ارزش اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی قائل نشده است.^۶ قرآن سرشار از بیان مسائل حقوقی در تمام زمینه‌ها است: حق حیات، حق کرامت انسانی، حق عدالت، حق امنیت، حق برابری، حق آزادی و... به طور طبیعی و منطقی، حقوق آن‌جا پدید می‌آید که انسان‌ها با یکدیگر برابر فرض شوند.

در جهان غرب، هدف اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸)، برقراری و تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم بود^۷ و «اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام» (سال ۱۹۹۰) از برخی آیات قرآن کریم الهام گرفته و سرلوحه حقوق بشر اسلامی آیه ۱۳ حجرات است: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا...».

در ماده یک اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره آمده است: «افراد بشر به طور کلی یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم، آن‌ها را گردآورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی، تکلیف و مسئولیت برابرند، بدون هیچ گونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، زبان، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و...». خلاصه مفاد

۱. محمدحسن نجفی، الجواهر، ج ۱۳، ص ۳۳۷ و ج ۱۶، ص ۴۹.

۲. میر عبد الفتاح حسینی مراغی، العناوین الفقہیہ، ص ۲۴/ سید محسن حکیم، المستمسک، ج ۵، ص ۳۷۱.

۳. ر.ک: محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقہیہ، ج ۲، ص ۵۵.

۴. ر.ک: منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، ص ۱۴، ۲۰۱.

۵. منوچهر صانعی دره بیدی، «برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخ آن»، دانشگاه شهید بهشتی.

۶. عباسعلی، عمید زنجانی، دانشنامه فقه سیاسی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۷. متن حقوق بشر، اینترنت/ ر.ک: علی باقری، مقاله «اعلامیه جهانی حقوق بشر و ...»، دانشگاه مفید.

ماده یک، تساوی همه مردم در اصل کرامت انسانی و در اصل تکلیف و مسئولیت و عدم تأثیرگذاری اموری مانند: رنگ، نژاد، جنسیت و... در این دو اصل است.^۱

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.^۲

علامه جعفری بر این باور است: از آن جا که مبنای حقوق بشر در اسلام، دین فطری ابراهیمی (علیه السلام) است و همه ادیان آسمانی خود را وابسته به آن می‌دانند؛ جهانی بودن تکالیف و حقوق بشر را بهتر می‌توان اثبات کرد^۳ وی معتقد است نقاط مشترک بین حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غرب بیش از ۸۵٪ است.^۴ حقوق دانان مسلمان از جمله علامه محمدتقی جعفری و دکتر ارسطا اصل تساوی را به عنوان اصل اولیه پذیرفته‌اند.^۵

نتیجه گیری

از مباحث بیان شده نتایج ذیل بدست می‌آید:

- ۱- اصل تساوی، ریشه در توحید دارد.
 - ۲- تساوی زن و مرد در احکام شرعی، فراتر از «اصل»، «قاعده» و «قانون» به اصطلاح متداول است و اماره، اصل عملی یا قاعده فقهیه نیز نبوده، بلکه آن را باید از «مبانی فقه» و بالاتر از آن؛ یعنی روح تمام قوانین و از مبانی مکتب اسلام دانست که در تمام ابواب فقهی و غیر فقهی کاربرد دارد.
 - ۳- اصل تساوی زن و مرد در احکام (قاعده اشتراک)، به قدری بدیهی و ضروری است که بسیاری از اندیشمندان بدان تصریح نکرده‌اند؛ یعنی جزء ضروریات دین بوده، نیاز به تصریح، دلیل و اثبات نداشته هرچند دلایل فطری، عقلی، نقلی و ... بر آن اقامه شده است.
 - ۴- اگر موضوع حکم شرعی، انسان باشد، اصل تساوی جاری می‌شود و هنگامی که جنسیت در موضوع حکم دخیل باشد، این اصل اجرا نمی‌گردد.
- نکته: بررسی تفصیلی ارتباط موضوع «تساوی احکام میان زن و مرد» با اماره و اصول عملی و نحوه پیوند آن با توحید و عدل، مجالی دیگر می‌طلبد.

منابع

• قرآن

- نهج البلاغه، سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
- ۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- ۲- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بی جا، بی نا، ۱۳۱۶ق.
- ۳- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹.

۱. ر.ک: محمدجواد ارسطا، درس خارج فقه، شبکه اجتهاد.

۲. ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۰.

۳. رضا زهروی، مقاله: «مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاریخ انتشار ۱۳۹۰/۵/۳ ص ۴.

۴. محمدتقی، جعفری، گفتگو با دکتر اروین پار، تحت عنوان «موضوع حقوق بشر از دیدگاه غرب» (به نقل از اصغر صابری، مقاله «جایگاه حقوق بشر در اسلام»، سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

۵. ر.ک: محمدجواد ارسطا، درس خارج فقه، شبکه اجتهاد/ رضا زهروی، همان.

- ۵- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴.
- ۶- اردبیلی نجفی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، مؤسسه نشر وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
- ۷- ارسطا، محمدجواد، درس خارج فقه، شبکه اجتهاد.
- ۸- امینی، عبد الحسین، الغدير، قم، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۱۶ق.
- ۹- انصاری، محمد علی، الموسوعة الفقهية الميسرة، قم، مجمع الفكر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین،
- ۱۱- آلوسی، محمود، روح المعانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- ۱۲- باقری، علی، مقاله «اعلامیه جهانی حقوق بشر و...»، دانشگاه مفید.
- ۱۳- بجنوردی، محمد حسن، القواعد الفقهیه، تحقیق محمد حسین درایتی و مهدی مهریزی، قم، الهادی، ۱۴۱۹،
چ ۱
- ۱۴- بجنوردی، محمد، «ملاك حقوق زنان و مردان»، کتاب نقد؛ شماره ۱۷؛ سال ۱۳۷۹
- ۱۵- تهانوی، محمد علی، موسوعه كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، مكتبه لبنان، ۱۹۹۶
- ۱۶- جوادی آملی، عبد الله، سرچشمه اندیشه، ج ۴، چ ۵، نشر اسراء، ۱۳۸۹ش.
- ۱۷- جوادی آملی، عبد الله، تسنیم، ج ۱۷، چ ۲، نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- ۱۸- جوادی آملی، عبد الله، شریعت در آینه معرفت، چ ۵، نشر اسراء، ۱۳۸۶.
- ۱۹- جوادی آملی، عبد الله، جامعه در قرآن، چ ۳، نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- ۲۰- جوادی آملی، عبد الله، فلسفه حقوق بشر، چ ۶، نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- ۲۱- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، چ ۳، نشر اسراء، ۱۳۸۸.
- ۲۲- جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، چ ۳، نشر اسراء، ۱۳۸۴.
- ۲۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- ۲۴- حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ۲۵- حسینی مراغی، میر عبد الفتاح، العناوین الفقهیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- ۲۶- حکیم، محسن، المستمسک العروه الوثقی، چ ۴ ف قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
- ۲۷- حکیم، محمد سعید، المحکم فی اصول الفقه، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۴ق.
- ۲۸- حکیمی، محمد رضا، الحیاء، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۲۹- حکیمی، محمد رضا، محمد و علی، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۳۰- خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- ۳۱- خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
- ۳۲- خویی، ابو القاسم، مستند العروه، (سایت مدرسه فقاہت).
- ۳۳- خویی، ابو القاسم، مصباح الاصول، تقریر بحث الخویی، محمد واعظ حسینی، چ ۵، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۷.
- ۳۴- خویی، ابو القاسم، محاضرات فی اصول الفقه، تقریر بحث الخویی للفیاض،
- ۳۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۳.

- ۳۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- ۳۷- زهروی، رضا، مقاله: «مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تاریخ انتشار ۱۳۹۰/۵/۳.
- ۳۸- سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳۹- سایت ویکی پدیا، متن حقوق بشر.
- ۴۰- سبحانی، جعفر، درس خارج فقه، ۹۲/۶/۲۳.
- ۴۱- سبزواری، عبد الاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۷.
- ۴۲- سید بن قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت- قاهره، دارالشرق، ۱۴۱۲.
- ۴۳- صابری، اصغر، مقاله «جایگاه حقوق بشر در اسلام»، سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- ۴۴- صانعی دره بیدی، منوچهر، «برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخ آن»، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴۵- صدر، رضا، تفسیر سوره حجرات، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۳۸.
- ۴۶- صدر، محمدباقر، الاسلام یقود الحیاء، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۱ق.
- ۴۷- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴۸- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴۹- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی.
- ۵۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۵۱- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، محقق حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- ۵۲- طوسی، محمدبن حسن، الاقتصاد الی طریق الرشاد.
- ۵۳- عراقی، ضیاء الدین، تنقیح الاصول.
- ۵۴- علی اکبریان، حسنعلی، مقاله «تاملی در مبانی استنباط احکام زنان» مجله فقه، سال ۱۵، ش ۵۷.
- ۵۵- عمید زنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۹.
- ۵۶- غروی نائینی، محمدحسین، فوائد الاصول، قم: موسسه نشر اسلامی، بی تا.
- ۵۷- غروی نائینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، سایت اهل البيت (علیهم السلام).
- ۵۸- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیة، چاپ دوم، قم، نشر اعتماد، ۱۴۲۵.
- ۵۹- فاکر میبدی، محمد، قواعد التفسیر لدى الشیعه و السنه، تهران: المجمع العالمی لتقريب المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۸.
- ۶۰- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، تهران، اسلامیه، ۱۷۷.
- ۶۱- قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر الجامع لاحکام القرآن (قرطبی)، بیروت، داراحیا التراث العربی، ۱۴۰۵.
- ۶۲- قمی، شیخ عباس سفینه البحار، موسسه انتشارات فراهانی، بی تا.
- ۶۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- ۶۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- ۶۵- مجلسی، محمد باقر، حق الیقین.
- ۶۶- مشکینی، علی، اصطلاحات اصول، ج ۱۰، قم: نشر الهادی، ۱۳۸۶.

- ۶۷- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، چ ۸، (فطرت)، تهران- قم، صدرا، ۱۳۷۷ ش.
- ۶۸- مظاهری، حسین، درس خارج فقه، اسفندماه ۱۳۸۵. سایت مدرسه فقاقت.
- ۶۹- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- ۷۰- مکارم، ناصر، درس خارج، ۱۳۹۳/۷/۱۱، سایت شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه).
- ۷۱- ملکی اصفهانی، مجبتی، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه، ۱۳۷۹ ش.
- ۷۲- مهریزی، مهدی، «گزارش تحلیلی از کتب الفروق بین الرجل و المرأة»، فصلنامه آینه پژوهش، شبکه شارح.
- ۷۳- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۷۴- نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام،
- ۷۵- وحید بهبهانی، محمد باقر، الفوائد الحایریه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵.